

انسان در جستجوی معنا

نویسنده:

دکتر ویکتور امیل فرانکل

مترجم:

فریبا بادامی

www.ketab.ir



انسان در جستجوی معنا

- نویسنده: دکتر ویکتور امیل فرانکل
- مترجم: فریبا بادامی
- طراح جلد: مهرشاد بنائی
- نشر: انتشارات پرثوآ
- تایپ و صفحه‌آرایی: فریبا بادامی
- مشاور طرح: پخش راونیز
- چاپ لیتوگرافی: چاپخانه فرشپوه
- صحافی: راونیز
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۱-۲۹-۰
- تیراژ: ۵۰۰ نسخه

کلیه حقوق این اثر محفوظ به مؤسسه راونیز می‌باشد.

سرشناسه	فرانکل، ویکتور امیل ۱۹۰۵-۱۹۹۷ م
عنوان و نام پدیدآور	انسان در جستجوی معنا، نویسنده دکتر ویکتور امیل فرانکل؛ مترجم فریبا بادامی
مشخصات نشر	مشهد: نشر پرثوآ، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	۱۶۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۱-۲۹-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: Psychology erlebt konzentrations lager
یادداشت	کتاب حاضر با عناوین مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت در سال‌های مختلف ترجمه و منتشر شده است.
موضوع	قتل عام یهودیان، ۱۳۹۴۵-۱۹۳۹ م -- خاطرات
موضوع	قتل عام یهودیان، ۱۳۹۴۵-۱۹۳۹ م -- جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع	Holocaust Jewish (1939-1945) Psychology aspects
موضوع	روان‌شناسان -- اتریش -- سرگذشت‌نامه
موضوع	Psychologists--Austria--Biography
موضوع	معنادرمانی
موضوع	Logotherapy
شناسه افزوده	بادامی، فریبا، ۱۳۵۴- مترجم
رده‌بندی کنگره	Badami, Fariba
رده‌بندی دیویی	DA۱۰
شماره کتابشناسی ملی	۹۴۰/۵۳۱۸
	۵۹۴۰۲۸۶

پخش بین المللی کتاب راونیز

ravniz_publish@yahoo.com

ایران - تهران

۶۶۴۰۱۵۴۶ - ۶۶۹۶۱۴۹۸

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۵
فصل اول	
تجاریبی از اردوگاه کار اجباری	۹
فصل دوم	
مفاهیم اصلی لوگو تراپی (معنادرمانی)	۱۰۵
فصل سوم	
خوش بینی غم انگیز	۱۴۷

پیشگفتار

دکتر فرانکل؛ نویسنده و متخصص بیماری‌های روانی، بعضی اوقات از بیمارانی که از دردهای کوچک و بزرگ خود می‌نالند؛ سؤال می‌کند: «چرا خودتان را نمی‌کشید؟» و از جواب آنها، اغلب راهی برای درمان بیماران پیدا می‌کند. یک بیمار را عشق به فرزینش به زندگی پیوند می‌دهد، دیگری را استعدادی که از آن استفاده نشده و سومی را خاطراتی از گذشته که ارزش حفظ کردن دارد. پیدا کردن این رشته‌های ازهم پاشیده در نقشی از؛ مفهوم، مسئولیت هدف و منظور، شیوه‌ای است که دکتر فرانکل؛ از اگرستان‌میلیسم تحلیلی (هستی‌درمانی)، شکل داده و آن را لوگوتراپی می‌نامد.

در این کتاب؛ دکتر فرانکل از تجاربی که موجب کشف لوگوتراپی شده است، صحبت می‌کند. او مدت مدیدی در اردوگاه کار اجباری نازی‌ها اسیر بود و همه‌چیز و همه‌کس خود را از دست داد. والدینش و همسرش؛ در این اردوگاه اسیران، به کوره‌های آدم‌سوزی سپرده شدند یا با شرایطی ناخوشایند جان دادند. تمام خانواده او؛ غیر از خواهرش در این اردوگاه، جان دادند. چگونه او که همه‌چیز را از دست داده؛ تمامی ارزش‌ها را در حال افول دیده، رنجور از؛ گرسنگی، سرما، خشونت، بربریت و هر لحظه منتظر مرگ بودن؛ زندگی را واجد حفظ کردن دانسته و زنده مانده است؟ دکتر روان‌شناسی که خود در معرض همه این رنج و دردها بوده و آنها را تحمل کرده است، بدون شک سخنانش شنیدنی خواهد بود. او بایستی؛ بهتر از هر شخص

دیگری، قادر باشد به شرایط انسانی ما به دیده علم و دلسوزانه بنگرد. سخنان دکتر فرانکل، به دل می‌نشیند و خیلی عمیق‌تر از آن است که بتوان به راحتی از آن چشم‌پوشی کرد. آنچه بیان می‌کند مبتنی بر تجارب خیلی عمیق است؛ همچنین عمیق‌تر از آن است که کسی، کمترین رنگی از فریب در آنها بیابد. اظهارات او در مرتبه عالی و بارزشی است و در اقداماتش به دلیل موقعیت حال حاضرش؛ در دانشکده پزشکی دانشگاه وین و نیز، به سبب شهرت کلینک‌های «لوگوترابی» او که هم‌اکنون در خیلی از کشورها با الگوبرداری از پلی‌کلینیک معروف عصب‌شناسی او در وین؛ شروع به کار می‌کند، معروفیتی جهانی دارد.

نمی‌توان نظریه و روش کار ویکتور فرانکل را با کارهای زیگموند فروید قیاس نکرد و نسنجید. چراکه هردو پزشک؛ در آغاز فعالیت به سرشت و درمان «روان‌پریشی‌ها»، معطوف بودند. فروید، اساس این «اختلالات» روان‌پریشی را در «اضطرابی» جستجو می‌کند که تحت تأثیر؛ «انگیزه‌ها»، «تعارضات» و «ناخودآگاه» ایجاد شده‌اند. در حالی که فرانکل؛ «نوروزها» را بر مبنای چند گونه دانسته و بعضی از آنها را به نام «روان‌پریشی نورنیک»، محصول ناتوانی بیمار در یافتن مفهوم و هدفی در زندگی خویش، می‌داند فروید بر «ناکامی» در روابط جنسی؛ ولی فرانکل بر «ناکامی» در «مفهوم‌یابی»، تأکید دارد. همان‌طور که در اروپا روان‌شناسان و روان‌پزشکان؛ به وضوح از فروید روی برتافته و به «هستی‌درمانی» متوجه شده‌اند که رشته «لوگوترابی» یکی از آنها است. یکی از مشخصه‌های بیش پر ظرفیت فرانکل؛ این است که هرگز، فروید را تکذیب نمی‌کند؛ بلکه شیوه خود را بر آنچه که او انجام داده است، شکل می‌دهد. او حتی؛ با دیگر اشکال «هستی‌درمانی» نیز، سر جنگ ندارد؛ بلکه به استقبال آنها رفته و نسبت به آنها، نظر قرابت دارد.

ماجرای این کتاب؛ هرچند مختصر است، اما خیلی هنرمندانه و جذاب است. من دو دفعه در یک جلسه، آن را از ابتدا تا انتها خوانده‌ام. جادوی آن به قدری مرا تحت تأثیر قرار داد که توانایی اینکه آن را کنار بگذارم، نداشتم. دکتر فرانکل؛ در قسمتی از این داستان؛ فلسفه «لوگوترابی» خود را به خواننده معرفی می‌کند، او آن را چنان ظریف و با ملایمت به داستان پیوند می‌دهد که خواننده؛ فقط بعد از اتمام کتاب، به عمق نوشته او پی می‌برد و درمی‌یابد که دیگر این قسمت از کتاب ادامه داستان وحشی‌گرهای اردوگاه‌های کار اجباری نیست.